

دکتر کنوک

و بقاعده‌ای برای امرار معاش نیست. اما جهان‌بینی کنوک و دید واسع ژرفانگری که در کار جذب مشتری دارد، از این پست یک «گنج شایگان» می‌سازد. دکتر کنوک با سلاح ارباب و ترس و لرز به سن میشل پا می‌گذارد. او همه را بیمار می‌انگارد:

«خیلی دلم می‌خواهد بدانم بعد از خروج از دومین سخنرانی کوچک من، کدام نفس‌کشی است که دیگر دل و دماغ خندیدن و شوخی کردن داشته باشد».

کنوک با قدرت القائی بسیاری که دارد، گام به گام، این امررا بر کلیه اهالی سن میشل مشبه می‌سازد که جملگی بیمارند و باید تحت مداوا قرار گیرند؛ شهری بیلاقی و پر از صفا و سلامت که اکنون مردی زیادت طلب و آرمند، چون بختک بر آن نشسته است و سر به سودای مال اندوزی سپرده است. دکتر کنوک چنان مردم را به هراس و دغدغه انداخته که جنبه‌های را توان حس و حضور نمانده است. کنوک راههای تبلیغ و القاء بیماری به دیگران را به نکوئی می‌داند و از همین رو است که همه اهالی شهر را دارای امراض مسری، حاد و مزمن می‌پندارد. در بازپسین صحنه‌ها، دکتر پار پاله که برای اخذ طلبش از کنوک به سن میشل آمده، درمی‌یابد که مکانی برای زیستن او نیست و حتی تنها هتل شهر هم به صورت بیمارستان در آمده است! آری، حضور دکتر کنوک در شهر تا کنون، در واقع هیچ بوده است، اما با گذشت زمان وزیرکی و نازک‌اندیشی‌های کنوک، وی از این شغل بی‌خاصیت، یک ممر درآمد قابل توجه و حتی

* نویسنده: زول رومن

* مترجم: محمد قاضی

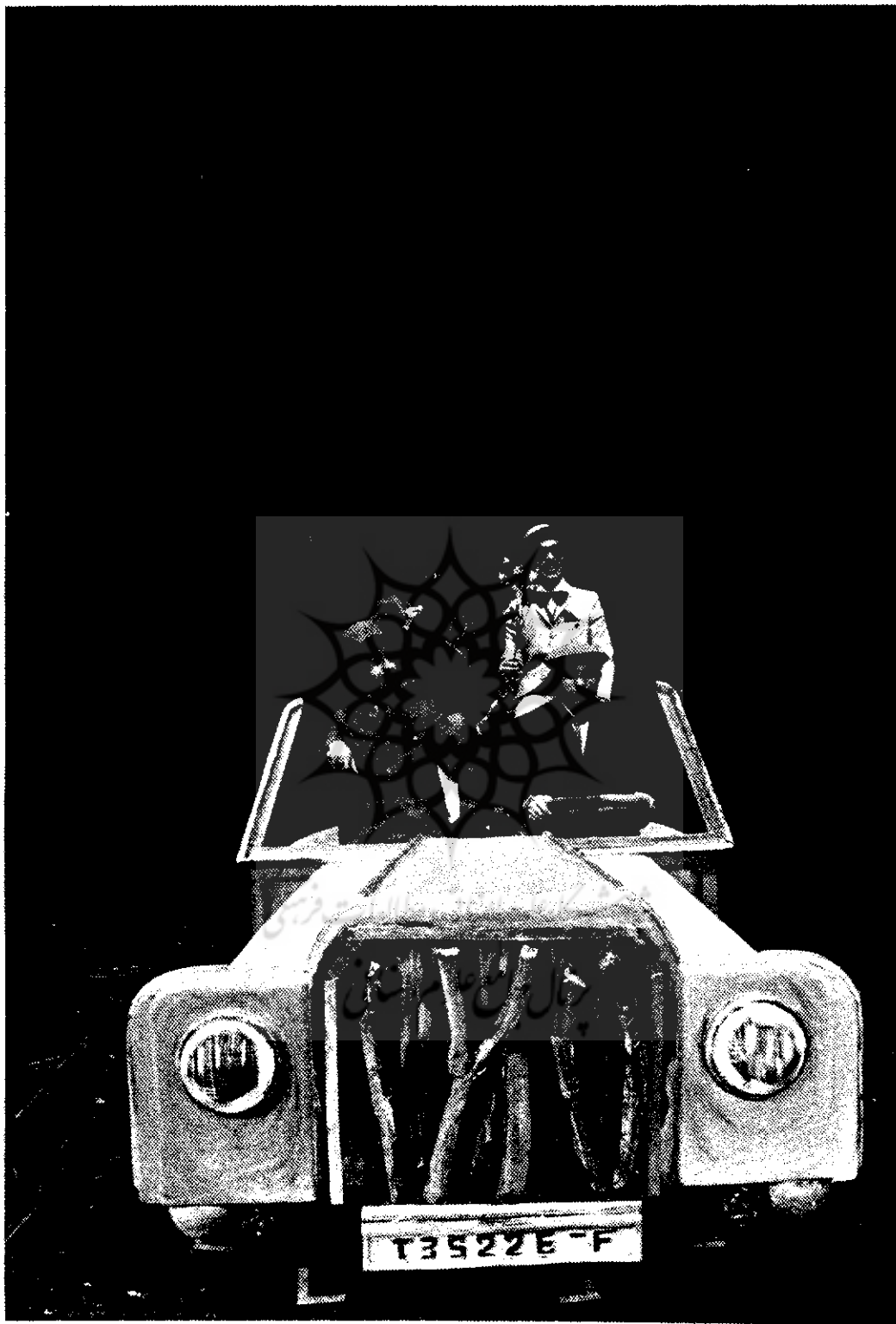
* کارگردان: ایرج راد

* بازیگران: جواد خدادادی، فرشید ابراهیمیان، سیروس گرجستانی، فرنوش آل احمد، حسین بیگ‌زاده، سهیلا رضوی، محمود کریم‌پور، حسن زارعی، بهروز هنربخش، فاطمه طاهری و شهین علیزاده.

* محل اجرا: سالن اصلی تئاتر شهر

دکتر کنوک، محاکات یک اغراق و شطح و طامات نیست، که نمایشی است طنزآلود و هجائی، که با لبه تیز و دو دم تعریض و مزاح و هزالی به مقابله با یک بیماری بکلی موهوم، اما در عین حال فراگیر و جهانشمول می‌پردازد. دکتر کنوک، شغل طبابت را به ازای قرضی که به دکتر پار پاله دارد، پذیرفته است. شهر «سن میشل» — محل کار کنوک — شهری امن و ایمن است که در آن، داستان «تنت به ناز طبییان نیازمند مباد» ریشه و ردپائی دیرینه و قدیمی دارد. در آغاز، طی گفتگوهائی که از باب معارفه پار پاله و همسرش با دکتر کنوک انجام می‌شود، درمی‌یابیم که «سن میشل» شهری است مبرا از هرگونه بیماری مسری و واگیردار و منخل و ممل طبی و اجتماعی و سیاسی. پس از طی این گفتگوها، درمی‌یابیم که سن میشل محل مناسب





هنگفت می سازد. در آخرین برخورد میان پارپاله و کنوک به این گفتگوها می اندیشیم:

«پارپاله - ولی راستی خیلی جالب است که شما چه خوب می توانید قیافه جدی بگیرید. اگر بدانید وقتی آن حرفها را به من می زدید، چه حالتی داشتید!

کنوک - حالا دیگر این کار بی اختیار از من سر می زند. به محض اینکه کسی را در مقابل خود می بینم، بی آنکه قادر به جلوگیری از خود باشم، به چشم تشخیص مرض به او نگاه می کنم.... ولو اینکه این کاری فایده و خارج از موضوع باشد؛ تا جایی که اخیراً مدتی است از نگاه کردن به صورت خود در آینه پرهیز می کنم».

آری، دکتر کنوک شهر ایمن «سن میشل» را به یک بیمارستان همگانی بدل می کند. کنوک، همچون یک طبیب باریک اندیش، جمله مردم شهر را کسل و بیمار و عبوس می انگارد؛ شهری که ساکنان آن در زمان پارپاله، با روح سلامت تن و روان بودند و حال، بکلی دچار روان پریشی و جنجالهای گاه و بیگاه طبی شده است:

«خیالی چرا؟ من به شما می گویم وقتی چهره ای را در مقابل خود می بینم، بی آنکه تعمدی در کار باشد، نگاهم بی اختیار متوجه هزاران علامت غیر مشهود.... مثلاً در پوست و سفیدی چشم و مردمک چشم و عروق شعبه و وضع نفس کشیدن می شود و دستگاه تشخیص مرض در من، خود به خود به کار می افتد».

و اما شگردی دیگر از تردستی های دکتر

کنوک:

«به علت قلت وقت، از این به بعد باید

منحنی معاینه ها را با منحنی معالجات یکی کنم. معاینه، فی نفسه برای من متضمن نصف سود است. در واقع این یک حرفه ابتدائی است، یک نوع شکار ماهی با تور است. ولی معالجه به منزله پرورش تخم ماهی است».

بدینگونه است که کنوک تنگ چشم و دنیا دوست و عنود، انسان را به مشابه یک کالای تجاری ارزیابی می کند و جنبه های فضیلت و رذیلت و نیز مضرت و مزیت آدمی را با حرفه مقدس طب، درهم می آمیزد که ماحصل و فرآورده اش چیزی نیست مگر فروپاشی نظام خود محورانه، نادرست و کاسبکارانه کنوک. دکتر کنوک اثری واقع گراست که از ذهنیت ملموس و محسوس ژول رومن خبر می دهد. اجرای ایرج راد از این اثر، موفق و کامیاب است. درک درست فضای نمایش به همراه تاکید و تصریح بر جنبه های طنز اجتماعی و استهزا و نیشخندهای آگاهانه، این اجرا را در شمار تک کارهای موفق قرار می دهد. بازی جواد خدادادی به نقش دکتر کنوک، با آن انعطاف و نرمش ستودنی، قابل ذکر است. خدادادی بازیگری است که در طی فرآیند بازی های خود، هم اینک به سلطه و احاطه خاصی دست یافته است و این همه ممارست و پیگیری و تمرین مدام او درخور ستایش است. فرشید ابراهیمیان نیز در نقش دکتر پارپاله، بازی یکدست و هماهنگی دارد. به رویهم، فضا سازی، میزانسن و بازی سایر بازیگران این نمایش، فی الجمله خوب و قابل اعتناست.